

به خون گر کشی خاک من دشمن من بجوشد گل اندر گل از گلشن من

به خون کشیدن: **کنایه از** کشتار شدید

خاک: **مجاز از** سرزمین

گل: **استعاره از** مبارز

گلشن: **استعاره از** سرزمین

بجوشد گل اندر گل از گلشن من: **کنایه از** مبارزان زیاد خواهند شد

۲. تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی جداسازی ای خصم سر از تن من

بسوزی - بدوزی: **جناس ناهمسان / ناقص**

تن - من: **جناس ناهمسان**

به تیر دوختن: **اغراق**

واج آرایی س

۳. کجا می توانی ز قلبم ربایی تو عشق میان من و میهن من

قلب - عشق: **تناسب / مراعات نظیر**

۴. من ایرانی‌ام، آرمانم شهادت تجلی هستی است جان کندن من

تجلی هستی است جان کندن من: **پارادوکس / متناقض‌نما**

تلمیح به «لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون» مپندارید کسانی که در راه خدا

کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه آنها زنده هستند و نزد خدا روزی می‌خورند.

۵. مپندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من

شعله: **استعاره از** عشق

واج آرایی د

۶. نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش بتازد به نیرنگ تو توسن من

واج آرایی ش

توسن: مجاز از اسب

اسب تازاندن: کنایه از حمله کردن

۷. کنون روز خلق است دریای جوشان همه خوشه خشم شد خرمن من

رود خلق: اضافه تشبیهی رود: مشبه به خلق: مشبه

خوشه خشم: اضافه تشبیهی خوشه: مشبه به خشم: مشبه

رود دریا شد: کنایه از اتحاد

واج آرایی خ و ش

خرمن: استعاره از وجود

خرمن خوشه شد: کنایه از زیاد شدن

۸. من آزاده از خاک آزادگانم گل صبر می پرورد دامن من

خاک مجاز از سرزمین

گل صبر: اضافه تشبیهی

دامن: مجاز از وجود

۹. جز از جام توحید هرگز نوشم زنی گر به تیغ ستم گردن من

جام: مجاز از شراب

جام توحید: اضافه تشبیهی

از جام توحید نوشیدن: کنایه از یکتاپرستی

تیغ ستم: اضافه تشبیهی

